

راهبردهای کاربردی CPTED* برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۴/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۶/۷/۱۷

مجید قورچی بیگی**

چکیده

CPTED تئوری است که در دهه شصت میلادی، توسط جرم‌شناسی به نام سی. ری. جفری و در قالب کتابی با همین نام ارائه شده است (اگرچه این تئوری در گذشته توسط افرادی چون جین جاکوبز و اسکار نیومن ارائه شده بود). این تئوری بر این عقیده است که با کاربری و طراحی درست از محیط، علاوه بر کاهش فرصت‌های مجرمانه، می‌توان بر کیفیت زندگی نیز افزود. این تئوری از شش جزء تشکیل شده است: تعیین قلمرو، نظارت، کنترل دسترس، سخت‌سازی آماج، تصویر محله و فعالیت پشتیبانی. به عبارت دیگر، طراحی فضا باید به گونه‌ای باشد که میان فضاهای عمومی و خصوصی تفکیک ایجاد کند و میزان نظارت ساکنان را بر فضای اطراف خود افزایش دهد و در مجموع، تصویری مثبت از محیط به دیگران القاء کند. در این مقاله تلاش می‌شود تا با تکیه بر مبانی نظری این تئوری، راهبردهای کاربردی این تئوری، برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی توضیح داده شود.

واژگان کلیدی: CPTED، مناطق مسکونی، تعیین قلمرو، نظارت، سلسله‌بندی فضا،

خط دید، روشنایی.

* پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (Crime Prevention Through Environmental Design)،

که در این مقاله به اختصار CPTED نامیده می‌شود.

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(majid.beyge@gmail.com)

مقدمه

محیط همواره بر رفتار انسان تأثیر داشته است و از آن برای این تأثیرگذاری استفاده شده است (Crowe, 2000: 82-6). از طرف دیگر، این موضوع مورد علاقه فلاسفه نیز بوده است. برای نمونه، تمام کسانی که از آرمان شهر و مدینه فاضله صحبت کرده‌اند، به اصول و روش‌هایی اشاره کرده‌اند که به‌طور طبیعی به شکل دادن محیط و در مقابل، بر رفتارهای جمعی و فردی تأثیر داشته‌اند (مطلبی، ۱۳۸۰: ۵۵).

امروزه جرم و ترس از جرم، به یکی از مشکلات مهم تمام جوامع تبدیل شده است و نظام‌های عدالت کیفری به دنبال کاهش میزان جرایم هستند. این مسئله در کنار شکست یا موفقیت‌های محدود سیاست‌های رسمی نظام عدالت کیفری در مبارزه با جرم، باعث اهمیت پیشگیری از جرم شده است. در این میان، با توجه به تأثیرگذاری محیط و نقش آن در ایجاد فرصت ارتکاب جرم، مداخله در محیط فیزیکی می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از جرم داشته باشد. اگرچه از ابتدای شکل‌گیری تئوری‌های جرم‌شناسی، این تأثیرات مورد توجه بوده‌اند، اما بیشتر این رویکردها جبرگرایانه بوده و بیشتر بر محیط جغرافیایی و طبیعی تأکید می‌شده است (گسن، ۱۳۷۴: ۱۸۳-۱۷۹).

تئوری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی با فعالیت معماران، طراحان شهری و جرم‌شناسان آمریکایی مانند جین جاکوبز، اسکار نیومن، جفری و اسجلمو آنجل شکل می‌گیرد. این تئوری جزء رهیافت‌های مکانیکی در پیشگیری از جرم است و بر این اعتقاد است که با طراحی درست و کاربری مؤثر از محیط می‌توان علاوه بر کاهش فرصت جرم بر کیفیت زندگی نیز افزود (Ibid: 46). به عبارت دیگر، اگر محیط به‌نحوی طراحی شود که بتواند باعث بهبود نظارت افراد شود، تعلق ساکنان را به قلمرو خود بالا می‌برد و در صورت ایجاد تصویری مثبت از محله، فرصت‌های مجرمانه کاهش خواهد یافت و مجرمان از ارتکاب جرم بازخواهند ماند (Cozens and et.al, 2005: 328). تأکید این تئوری بر «محیط ساخته شده» (built environment) قرار دارد. این تئوری از لحاظ مبانی نظری، ریشه در تئوری انتخاب و جرم‌شناسی کلاسیک دارد، به‌طوری که مجرم را فردی عقلانی تصور می‌کند که منافع و هزینه‌های ارتکاب جرم را می‌سنجد و در صورت منافع بیشتر، مرتکب جرم خواهد شد (Seigel, 2001: 133). به عبارت

دیگر، جرم یک انتخاب است. این انتخاب ممکن است تحت تأثیر وراثت یا زمینه فردی باشد، اما این انتخاب‌ها نتیجه مستقیم فرصت و سنجش وضعی هزینه‌ها و منافع ارتکاب جرم است. هر فردی ممکن است به سمت ارتکاب جرم وسوسه شود. اشخاص در ارزیابی هزینه‌ها و منافع، به خطر دستگیری، بیشتر از شدت مجازات توجه دارند. تأثیر گذاشتن بر عوامل وضعی ارتکاب جرم، آسان‌تر از مبارزه با ضعف‌های بشری است (Clarke, 1997b: 200). محیط اطراف ما فقط فضاهایی نیستند که جرایم در آنجا روی می‌دهند، بلکه ساختار و طراحی فضا می‌تواند موجب پیشگیری از فعالیت‌های مجرمانه شود و امنیت شهری را بهبود بخشد. این دیدگاه دربرگیرنده تحلیل‌های دقیق وضعی از جرم است که به دنبال یافتن وضعیت‌ها و شرایطی است که می‌توانند از فرصت‌های مجرمانه پیشگیری نمایند (Wekerl and Whitzman, 1994:12).

۱. تعریف CPTED و اجزای آن

CPTED بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد، از جرایم خاصی پیشگیری کرد. این سازوکار «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط» نامیده می‌شود.

CPTED را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

طراحی مناسب و کاربری مؤثر از محیط و ساختمان، که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می‌شود.

به عبارت دیگر، طراحی مناسب و استفاده درست از محیط می‌تواند علاوه بر بهبود کیفیت زندگی، از ترس ناشی از جرم و وقوع جرم پیشگیری کند (Crowe, op.cit: 46). این تئوری هدف خود را بر محیط ساخته شده و جرایم مرتبط و شایع در مناطق مسکونی مانند: دیوارنویسی، تخریب‌گرایی و سرقت، متمرکز می‌کند. این مسئله مبتنی بر مطالعاتی است که در اواسط قرن بیستم انجام شده است. در واقع CPTED بر این اندیشه و فکر مبتنی است که رفتار انسانی در یک محیط شهری، تحت تأثیر طراحی محیطی است. تحقیقات نشان می‌دهد که اجرای این تئوری در محله، موجب پیدایش آثار مثبتی مانند بهبود کیفیت زندگی، ایجاد حس مالکیت، کاهش میزان جرایم و حتی افزایش قیمت خانه و زمین در آن محل خاص خواهد شد.

این تئوری از شش جزء تشکیل شده است: تعیین قلمرو، نظارت، کنترل دسترس، سخت کردن آماج جرم، تصویر (نگهداری) و فعالیت پشتیبانی.

هر موجود زنده‌ای بنا بر خصلت خود، مدعی قلمرو خاصی است و از آن در مقابل دیگران دفاع می‌کند. هایدگر عقیده دارد که اجزای اصلی قلمرو «مشخص» بودن و «دفاع» از آن است. وی بر این باور است که هر حیوان توسط یک سری حباب یا بالون‌هایی با شکل‌های غیرمنظم احاطه شده است که جهت حفظ فضایی متناسب، مابین یکایک جانوران به‌کار می‌رود. وی این فواصل را تشریح می‌کند و آنها را فاصله گریز، فاصله حساس یا بحرانی، فاصله شخصی یا اجتماعی خوانده است (بحرینی و تاجبخش، ۱۳۷۷: ۱۹-۲۰). به عبارت دیگر، نحوه برخورد ما با فضاهاى مختلف، متفاوت است و افراد برای فضای خصوصی دیگران احترام قائل‌اند. هنگامی که مادری به کودک خود هشدار می‌دهد که «مواظب باش توپت در حیاط همسایه نیفتد»، نشان می‌دهد که نحوه برخورد و رفتار ما با فضاهاى مختلف، متفاوت است. یک محیط خوب باید از لحاظ طراحی به‌نحوی باشد که تفکیک میان فضاها (عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی) را به‌طور کامل متمایز کند و مشخص کند که کدام فضا متعلق به چه کسی است. این همان اصلی است که در تعیین قلمرو بر آن تأکید می‌شود. قلمروگرایی، مجموعه رفتارها و شناخت‌هایی است که یک فرد یا گروه بر مبنای مالکیتی که از فضای فیزیکی متصور شده است، نشان می‌دهد. شاید هیچ عامل محیطی به اندازه قلمروگرایی و نقض آن باعث خشونت انسانی در ابعاد وسیع نشده باشد. مبنای قلمروگرایی انسان ممکن است غریزی باشد، ولی ایجاد، مقدار و دفاع از قلمرو در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. تحقیق در مورد قلمرو و پرخاشگری نشان می‌دهد که قلمروی که بد تعریف شده باشد، چه قلمرو اولیه باشد (مانند خانه) و چه قلمرو عمومی، پرخاشگری بیشتری را به دنبال دارد. این نظریه در این ضرب‌المثل خلاصه می‌شود: حصارهای خوب، همسایگان خوب می‌سازند.

طراحی فیزیکی این قابلیت را دارد که فرصت‌های نظارت طبیعی و غیررسمی ساکنان را افزایش دهد. نظارت را می‌توان بخشی از محافظت بالقوه محله دانست. اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم، مورد نظارت و مشاهده قرار خواهد

گرفت - اگرچه به‌واقع نیز این‌گونه نباشد - احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد شد. زیرا وی در «سازوکار گذار از اندیشه به عمل»، منافع و خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این محله، به علت نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنان، پلیس و در نهایت دستگیری بالاست؛ پس از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد. نظارت، یکی دیگر از اجزای این تئوری است که به‌صورت طبیعی (از طریق پنجره‌ها)، رسمی (استخدام نگهبان) و مکانیکی (روشنایی و دوربین مداربسته) فراهم می‌شود. در این تئوری بر اصل «دیدن و دیده شدن»، به‌عنوان یک ابزار مهم در پیشگیری از جرم بسیار تأکید می‌شود. نظارت طبیعی یا غیررسمی هنگامی محقق می‌شود که طراحی ساختمان به‌گونه‌ای باشد که ساکنان بتوانند به راحتی بر فضاهای اطراف خود نظارت داشته باشند. این نظارت در کنار انواع نظارت‌ها می‌تواند در پیشگیری از جرم مؤثر باشد. به‌عنوان مثال، در یک مجتمع آپارتمانی، مادر باید بتواند به‌راحتی از طریق پنجره بر زمین بازی کودک خود نظارت داشته باشد. در نظارت رسمی، از فردی به‌عنوان ناظر و مراقب استفاده می‌شود. برای مثال، می‌توان در ورودی مراکز اداری یا مسکونی از یک فرد به‌عنوان «پذیرش‌گر» (receptionist) استفاده کرد که بر ورود و خروج افراد نظارت داشته باشد. در نظارت مکانیکی نیز سعی می‌شود تا با بهبود روشنایی و دوربین‌های مداربسته، نظارت را تقویت کرد.

کنترل دسترس بر این نکته تأکید دارد که با محدود کردن دسترس به آماج می‌توان فرصت ارتکاب جرم را کاهش داد. به عبارت دیگر، با کم کردن ورودی ساختمان به حداقل ممکن، می‌توان از میزان جرایم کاست. تحقیقات نشان می‌دهد که مناطقی که دارای ورودی‌ها و دسترس نامنظم و بی‌قاعده‌ای هستند، نسبت به مناطقی که ورودی و دسترس محدودی دارند، جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند. میزان سرقت در خانه‌هایی که دسترس به آن آسان است، مانند خانه‌هایی که در تقاطع‌ها و چهارراه‌ها واقع شده‌اند، نسبت به مناطق مسکونی‌ای که دسترس به آن محدود است (مانند کوچه‌های بن‌بست)، بیشتر است. پس می‌توان گفت که هر چه دسترس راحت‌تر باشد، میزان جرم نیز بیشتر خواهد بود.

جزء دیگر این تئوری، یعنی تصویر (نگهداری)، به این مسئله توجه دارد که امنیت

و قابلیت زندگی در یک محیط، بستگی به تصویری دارد که ساکنان و دیگر افراد از فضای موجود دارند. هویت مکانی بخشی از هویت فردی و انسانی است و فرد پس از شناسایی مکان، سعی در پیوند روانی با مکان می‌کند که به صورت هویت مکانی ادامه می‌یابد (رضازاده، ۱۳۸۰: ۶۷). نظریه پنجره شکسته، بر اهمیت نگهداری و حفاظت از محیط به عنوان یک شاخص فیزیکی از سطح همبستگی اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی تأکید دارد (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲). ارتقا و بهبود تصویر مثبت از محیط و حفظ و نگهداری مرتب و روزانه محیط، این اطمینان را به ساکنان می‌دهد که محیط فیزیکی، کارکرد خود را به طور مؤثری انجام می‌دهد و باعث انتقال پیام‌های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا خواهد شد. هرچه محیط و محله بهتر نگهداری شود، علاوه بر اینکه قلمروگرایی را در میان ساکنان افزایش می‌دهد، احساس تعلق به محله را ارتقا می‌دهد و این حس را القا خواهد کرد که این محله دارای فضای امنی است و کوچکترین انحراف و خطایی در این محله با واکنش روبه‌رو خواهد شد. خانه‌ها و فضاهای خالی و بلا تصدی، مانند یک آهن‌ربا در برابر جرم عمل می‌کنند (Spleman, 1993: 481-98).

سخت کردن آماج جرم، بخش دیگری از این تئوری است که سنتی‌ترین راه پیشگیری از جرم است و به دنبال افزایش امنیت فیزیکی آماج‌های جرم است و بدین وسیله کار مجرمین را به هنگام ارتکاب جرم مشکل‌تر می‌کند. این روش بر این فرض متکی است که می‌توان از طریق کاهش درجه آسیب‌پذیری آماج‌هایی که فرصت ارتکاب جرم را فراهم می‌آورند، از وقوع جرم پیشگیری کرد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۳۳۳). سخت کردن آماج جرم بر دو نوع است: در نوع اول، تلاش می‌شود تا استانداردهای امنیتی ساختمان بالا برده شود؛ برای مثال، دزدگیر نصب می‌شود یا درب‌ها و قفل‌ها تقویت می‌شوند. در نوع دوم، اشیا و آماج‌هایی که معمولاً از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند، تقویت می‌شوند. استفاده بیش از حد و افراطی از تاکتیک‌های سخت‌سازی آماج جرم، موجب ایجاد «جوی نظامی» (fortress mentality) در محله می‌شود و بدین وسیله ساکنان، در پشت موانع فیزیکی قرار می‌گیرند و قابلیت خودنظارتی آنها در محیط، آسیب می‌بیند و حتی ممکن است تأثیر سایر اجزای CPTED نیز خنثی شود.

در فعالیت حمایتی و پشتیبانی، افراد به مشارکت بیشتر در محیط تشویق می‌شوند. در طراحی یک محیط باید تلاش شود تا حضور مردم و ساکنان در محیط بیشتر شود، زیرا موجب افزایش نظارت و کنترل اجتماعی غیررسمی خواهد شد. تشویق مردم به انجام برخی فعالیت‌ها در فضاهای عمومی، مانع وقوع جرم است. وجود یک فضای تفریحی یا ورزشی، علاوه بر افزایش احساس تعلق به محله، موجب بیشتر شدن چشم‌های ناظر بر خیابان، افزایش فرصت نظارت، تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی می‌شود. در حال حاضر تحقیقاتی وجود دارند که بر «کاربری مختلط (متنوع) از محله» تأکید دارند، زیرا به علت افزایش حضور مردم و افزایش انواعی از فعالیت‌ها، موجب کاهش فرصت‌های مجرمانه خواهند شد (See; Pettersson, 1997: 179-202).

راهبردهای CPTED در تجربیات دوران معاصر، در مورد پیشگیری از جرم ریشه دارد. این راهبردها برای بسیاری از افراد آشنا به نظر می‌رسد و آنها ممکن است تصور کنند که این راهبردها را از قبل می‌دانسته‌اند. ولی باید توجه داشت که این راهبردها نیازمند دقت در محیط و نحوه تأثیرگذاری آن بر رفتار افراد است. راهبردهای کاربردی این مقاله، مبتنی بر اصول زیر هستند (Crowe, op.cit: 125-7):

تعریف مرزهای فضای کنترل شده: این امر نیازمند ارائه یک قانون عمومی است که در آن، فضا و قلمرو افراد باید به منظور حفظ مالکیت، تعیین و تعریف شود. این تعریف می‌تواند به صورت واقعی (فیزیکی) یا نمادین باشد. حصارها، بوته‌زارها و علائم می‌توانند تعریفی قابل قبول از مرزهای قلمرو ارائه دهند. این اصل اساسی بر این مبنا استوار است که یک شخص عاقل، باید قادر باشد که انتقال از فضای عمومی به خصوصی را تشخیص دهد.

نشان‌دار شدن مناطق انتقالی به صورت واضح: فضاهای انتقالی باید به واسطه «فیلترهای انتقالی» نشان‌دار شوند و به طور آشکار، جابه‌جایی و انتقال از فضای عمومی به نیمه‌عمومی و از نیمه‌خصوصی به خصوصی را نشان دهد. طراحی باید این جابه‌جایی و انتقال را به وجود آورد.

قرار دادن فعالیت‌های امن در مکان‌های غیرامن (place safe activities in unsafe locations): از طریق این راهبرد می‌توان بر مشکلات موجود در فضای دانشگاه‌ها، پارک‌ها، ادارات

و مؤسسات غلبه کرد. فعالیت‌های امن، مانند آهن‌ربایی عمل می‌کنند که کاربران عادی را به خود جذب می‌کنند و به سایر کاربران عادی، این امر را القا می‌کنند که آنها محفوظ هستند و به کاربران غیرعادی از فضا این مفهوم را می‌رسانند که در معرض خطر یا مداخله قرار دارند.

قرار دادن فعالیت‌های غیرامن در مکان‌های امن: قرار دادن فعالیت‌های آسیب‌پذیر در کنار پنجره‌های فضاها یا مسکونی و یا در منطقه با کنترل و نظارت شدید، به غلبه کردن بر خطر کمک خواهد کرد و احساس امن بودن را در ساکنان افزایش خواهد داد. **بهبود برنامه‌ریزی فضا:** استفاده مؤثر و مفید از فضا، میزان خطر و احساس خطر را کاهش می‌دهد. برعکس، مجرمان نیز در چنین فضایی احساس خطر بیشتری خواهند کرد، زیرا میزان نظارت و احتمال مداخله، بیشتر خواهد بود.

افزایش نظارت طبیعی با طراحی درست فضا: «اصل دیدن و دیده شدن» یکی از سنتی‌ترین و بارزترین روش‌های پیشگیری از جرم است. احساس وجود نظارت طبیعی، نسبت به وجود واقعی نظارت، تأثیر بیشتری دارد. وجود این نظارت به اندازه نظارت مکانیکی (CCTV) مؤثر است. پنجره‌ها، خطوط دید واضح و شفاف و دیگر تکنیک‌های طبیعی، در میزان کاهش جرایم بسیار مؤثر هستند.

اجتناب از انزوا و جدایی: ساختمان و فضا نباید در فضایی مجزا از سایر فضاها قرار گیرد و در واقع، طراحی نباید به گونه‌ای باشد که فرد احساس کند که در جایی گیر افتاده است و در موقع نیاز به کمک، کسی نمی‌تواند به وی کمک کند.

۲. راهبردهای کاربردی CPTED در مناطق مسکونی

نحوه طراحی محیط مسکونی و ساختمان می‌تواند از طریق افزایش نظارت طبیعی و کاهش فرصت‌های مجرمانه، در ایجاد فضایی امن در محله نقش مؤثری داشته باشد. ساختمانی که از لحاظ عناصر طراحی ضعیف باشد، علاوه بر این که از سطح کیفیت زندگی می‌کاهد، موجب بروز مشکلات دیگری نیز خواهد شد. طراحان باید با طراحی خود، کاربری فضا را مشخص کنند. اگر کاربری فضا مبهم و نامعلوم باشد، گمنامی و رفتارهای نامشروع افزایش پیدا می‌کند.

در طراحی یک محیط مسکونی باید اهداف زیر رعایت شود:

کنترل ورودی: این کار موانع امن و مطمئنی ایجاد می‌کند که از ورود غیرمجاز افراد به محوطه ساختمان و فضاهای درونی ساختمان جلوگیری می‌کند.

ابزارهای نظارت مکانیکی: این ابزارها ساکنان ساختمان را به وسایل امنیتی مجهز می‌سازد که بدین وسیله قادر خواهند بود، هر نوع تلاش برای ورود غیرمجاز یا سایر فعالیت‌های غیرمجاز را مورد شناسایی و کنترل قرار دهند.

طراحی و ساخت: طراحی، ساخت و تعمیر مکان‌های مسکونی، علاوه بر بهبود و افزایش ایمنی، بر کیفیت زندگی نیز می‌افزاید.

اقدامات ساکنان: ساکنان باید تشویق شوند تا اصول ایمنی را در فضای خود اجرا کنند تا بدین وسیله از آسیب‌پذیری منزل و اموال خود بکاهند.

تعامل اجتماعی: تعاملات میان ساکنان باید تشویق شود تا بدین وسیله کنترل و همبستگی اجتماعی تقویت شود.

خدمات پلیس: خدمات نیروهای پلیس باید بهبود یابد و از طرف دیگر، روابط میان پلیس و محله باید گسترش یابد تا ساکنان با پلیس در زمینه پیشگیری از جرم و گزارش آن، به صورت مشارکتی همکاری کنند.

آگاهی محله: افزایش آگاهی و اطلاعات افراد محله در مورد پیشگیری از جرم، به مبارزه با جرم در مناطق مسکونی کمک خواهد کرد.

هویت محله: تفکیک فضای عمومی از فضای خصوصی، مانع از ورود مجرمان بالقوه به قلمرو افراد می‌شود.

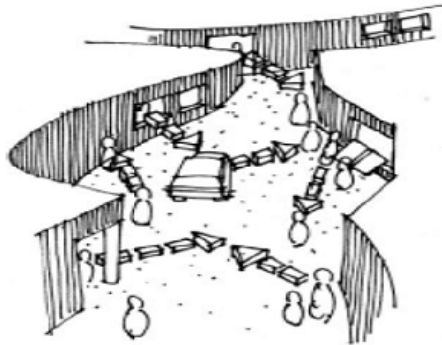
تصویر محله: افزایش و بهبود تصویر مثبت از محله، باعث تشویق ساکنان و سرمایه‌گذاران می‌شود و «سرزندگی» را در محیط افزایش خواهد داد.

در طراحی محیط مسکونی نکات زیر باید رعایت شود:

الف. ورودی فضای مسکونی

ورودی ساختمان، به این علت که تنها راه دسترس مشروع و مجاز به ساختمان تلقی می‌شود و مرز میان فضای عمومی و خصوصی از اینجا آغاز می‌شود، نیازمند دقت

و توجه ویژه‌ای است. در طراحی ورودی ساختمان نکات زیر باید رعایت شود:
 ورودی‌های ساختمان باید به سمت خیابان باشد و از خیابان و ساختمان روبه‌رو
 دید کامل داشته باشد. ورودی ساختمان بهتر است که به سمت خیابان اصلی باز شود.



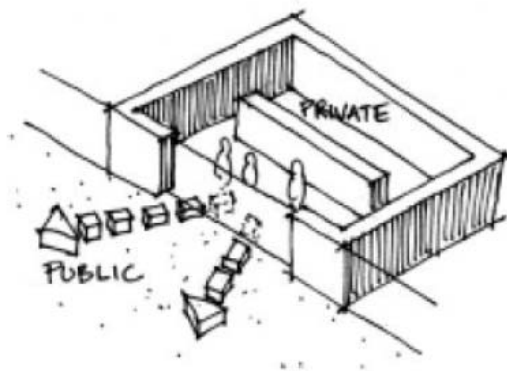
برای تفکیک مرزهای میان فضای عمومی از خصوصی، از موانع نمادین و واقعی استفاده شود. موانع واقعی همان موانع فیزیکی هستند، مانند نرده‌ها و بوته‌ها که از طریق آن می‌توان مرزهای میان فضای عمومی و خصوصی را مشخص کرد. اما موانع نمادین با استفاده از تغییر سطوح، تغییر الگوی مسیر، تغییر رنگ یا ارتفاع سطوح امکان‌پذیر است.



ورودی ساختمان نباید در فضایی تاریک و مخفی قرار داشته باشد و نباید موجب
 ایجاد نقطه غافل‌گیری شود.
 درب‌های ورودی ساختمان (مخصوصاً در مجتمع‌های مسکونی) بهتر است حالت

ارتجاعی داشته باشد، به نحوی که درب پس از باز شدن، خودبه خود و به طور مستقیم بسته شود. این امر باعث می شود تا اگر ساکنان فراموش کنند که درب را ببندند، خود درب بسته می شود (رحمت، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

ورودی ساختمان باید به نحوی باشد که فرد، قبل از خروج و یا قبل از ورود، بتواند فضای پیش روی خود را به طور کامل ببیند.



تا جایی که امکان دارد، باید از تعداد ورودی ها کاسته شود.

ورودی ساختمان نباید دارای فرورفتگی باشد، به طوری که فضایی برای مخفی شدن ایجاد کند.

طراحی باید به گونه ای باشد که از خیابان به فضای جلوی خانه و ورودی آن، دسترس مستقیم وجود داشته باشد. علاوه بر این، باید از ورودی اصلی ساختمان به پارکینگ، دسترس مستقیم و نزدیک وجود داشته باشد.

ورودی و نقاط دسترس پارکینگ های درون ساختمان، فقط باید از درون ساختمان دسترس داشته باشند نه از فضای خارج.

ب. مرتبه بندی (تسلسل) فضا (space hierarchy)

همان طور که گفته شد، هر موجود زنده ای بنا بر خصلت خود، مدعی قلمرو خاصی است و از آن در مقابل دیگران دفاع می کند. هایدگر این فواصل را تشریح می کند و آنها را فاصله گریز، فاصله حساس یا بحرانی و فاصله شخصی یا اجتماعی خوانده است.

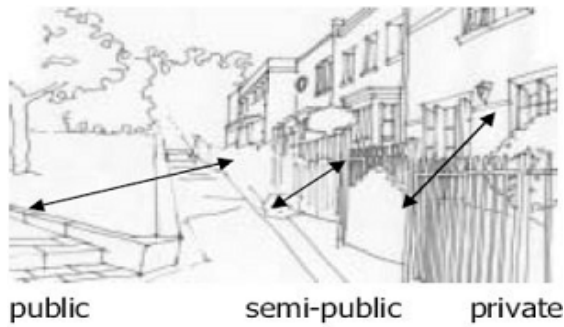
یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در راه تعیین قلمروها، توجه به عرصه‌بندی‌ها در سکونت‌گاه‌ها است که همانند دیگر پدیده‌ها از سلسله مراتب خاصی پیروی می‌کند. هنگامی که صحبت از حریم‌ها و حفظ آنها می‌شود، واضح است که این کلمه معنای ثابتی ندارد و معانی گسترده‌تری را دربرمی‌گیرد. در یک تقسیم‌بندی می‌توان سلسله مراتب فضای عمومی و خصوصی شهری را به فضاهای عمومی شهری، فضاهای نیمه‌عمومی شهری، فضاهای عمومی خاص یک گروه، فضاهای خصوصی یک گروه، فضاهای خصوصی خانوادگی و فضاهای خصوصی افراد تقسیم‌بندی کرد. البته می‌توان این تقسیم‌بندی را به صورت کلی‌تر یعنی، فضای عمومی، نیمه‌عمومی، خصوصی و نیمه‌خصوصی نیز ارائه داد. اما آنچه که مهم است پیوستگی درون عرصه‌هاست که باید حفظ شود و سلسله مراتب بین آنها تحت تأثیر روابط متقابل به وجود آید. در مورد مناطق مسکونی، نکات زیر باید رعایت شود:

در مناطق مسکونی باید به وسیله نرده‌گذاری، منظره‌سازی، تغییر سطوح نسبت به معبر و عقب‌نشینی نسبت به معبر، سلسله مراتب فضا را به‌طور شفاف تعیین کرد. به عبارت دیگر، طراحی باید بتواند این تغییر فضا و انتقال آن را به افراد منتقل کند و به آنها بفهماند که از یک فضای عمومی به یک فضای خصوصی وارد می‌شوند.



مجتمع‌های مسکونی و مناطق مسکونی را باید به صورت «خوشه‌ای» طراحی و تقسیم کرد، به گونه‌ای که فضای عمومی سرباز، مختص گروه خاصی باشد و «قلمرو» گروه خاصی تلقی شود. زیرا وسعت و گستردگی فضا در این مناطق باعث می‌شود که افراد نتوانند نسبت به قلمرو خود احساس تعلق پیدا کنند.

در این مناطق باید میان فضای عمومی و خصوصی از فضایی «حائل» (buffer) بهره برد.



ج. نظارت

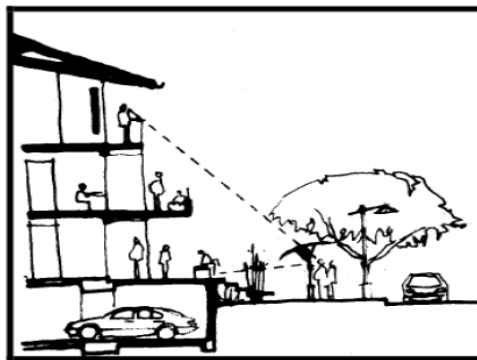
طراحی مناطق مسکونی و ساختمان‌ها باید به گونه‌ای باشد که تا جایی که امکان دارد و بدون این‌که به حق خلوت افراد تعرضی شود، نظارت طبیعی افزایش یابد.

در این رابطه بهتر است نکات زیر رعایت شود:

ساکنان باید بتوانند بر مسیرهای منتهی به ساختمان، نظارت داشته باشند؛

طراحی باید به گونه‌ای باشد که نظارت اتفاقی و تصادفی را افزایش دهد؛

بالکن‌ها باید در جلوی ساختمان قرار گیرند.



ساکنان باید بتوانند به راحتی بر زمین بازی و فضاهای عمومی سرباز نظارت

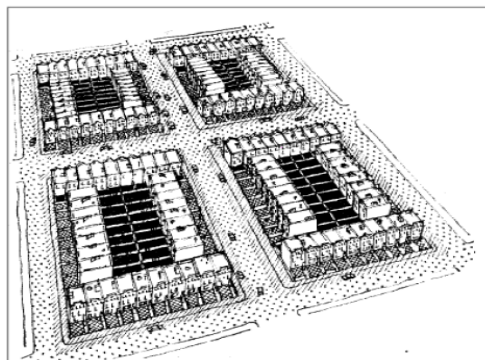
داشته باشند.

طراحی ساختمان باید به گونه‌ای باشد که افراد، از منزل بر پارکینگ‌های خود نظارت داشته باشند.

ساکنان باید بتوانند از طبقه هم کف و قبل از خروج از ساختمان، مسیر پیش روی خود را ببینند و برانداز کنند (و برعکس).

درب‌ها و پنجره‌های ساختمان باید به سمت خیابان طراحی شوند. از پنجره‌ها و ساختمان‌های اطراف نیز باید بتوان بر ساکنان و پیاده‌روها نظارت داشت. مجتمع‌های مسکونی باید به گونه‌ای ساخته شوند که ساکنان هر بلوک، علاوه بر این که بر فضاهای عمومی نظارت دارند، رؤیت‌پذیری متقابل هم به طور کامل فراهم شود. تا جایی که امکان دارد، ورودی هر ساختمان باید توسط ساختمان روبه‌رو قابل نظارت باشد.

فضای بازی کودکان به نحوی طراحی شود که از ساختمان‌های مجاور، قابل دیدن باشد. بهتر است ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی، روبه‌روی هم طراحی شوند تا رؤیت‌پذیری متقابل و نظارت طبیعی به حداکثر خود برسد.



مغازه‌های خرده‌فروشی نیز باید در جلوی ساختمان قرار گیرند. برای افزایش رؤیت‌پذیری، توصیه می‌شود که به جای دیوار، از «نرده‌های شفاف» - که از هر دو طرف قابل رؤیت باشد - استفاده شود. در مجتمع‌های مسکونی، بهتر است فضایی برای جمع شدن افراد طراحی شود تا علاوه بر تقویت تعامل اجتماعی و حس مالکیت، نظارت نیز افزایش یابد.

د. خطوط دید و نقاط کور

وجود خط دید شفاف و نبود مانع مخل خط دید، یکی از ملاک‌های ارزیابی امنیت محیط است. خط دید را می‌توان وجود فضایی باز و شفاف پیش روی فرد دانست، به طوری که فرد، بدون مانع، مسیر پیش روی خود را ببیند. علاوه بر آن، فاقد نقاط قابل مخفی شدن و غافل‌گیرکننده باشد. در مورد خط دید ساختمان، بهتر است نکات زیر رعایت شود:

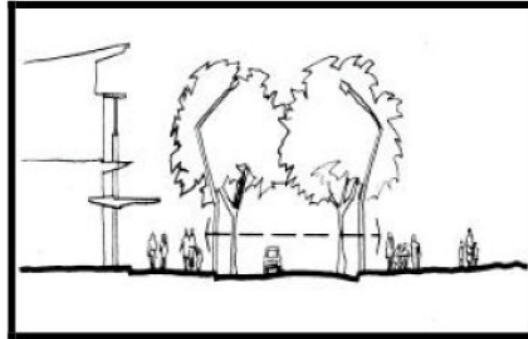
در طراحی فضای درونی ساختمان باید سعی شود از ایجاد نقاط کور و کنج‌ها اجتناب شود. به محل تلاقی دو سطح، کنج گفته می‌شود. آنچه موجب آسیب‌پذیری بیشتر این فضا می‌شود، مخفی بودن آن و قابلیت به دام انداختن و غافل‌گیری بزه‌دیده است. در طراحی راه‌پله‌ها باید سعی شود از چرخش زیاد و ناگهانی، که موجب ایجاد نقاط کور می‌شود، اجتناب کرد.

معايير، فضاهای عمومی و راه‌پله‌ها نباید دارای تغییر جهت ناگهانی و یا کنج‌ها و گوشه‌هایی باشند که افراد بتواند در آنها مخفی شوند و خط دید عابران مختل شود. تغییرات در سطوح سطح زمین نباید به گونه‌ای باشد که در خط دید افراد اختلالی ایجاد کند. فضای منتهی به درب‌های آسانسور باید به طور کامل باز باشد و از کنار ساختمان و یا از داخل خیابان رؤیت‌پذیر باشد.

در قسمت‌هایی از ساختمان که بهبود و ارتقای خط دید و حذف عوامل مخل خط دید وجود ندارد، می‌توان از نظارت مکانیکی و رسمی بهره برد. یکی از نقاط آسیب‌پذیر در ساختمان که ممکن است فاقد خط دید شفاف باشد، پارکینگ ساختمان است که باید در کنار بهبود نظارت و خط دید، از CCTV و نگهبان استفاده کرد (در بحث مربوط به طراحی پارکینگ، بیشتر به این موضوع می‌پردازیم).

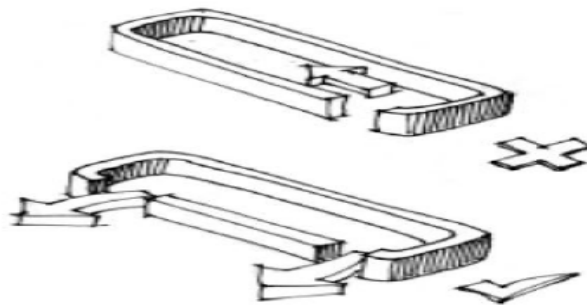
در ساختمان بهتر است از ستون‌های بزرگ و مربعی که فرد بتواند در آنجا مخفی شود، اجتناب کرد و ستون‌های دایره‌ای بهتر است.

پوشش گیاهی ساختمان باید به گونه‌ای باشد که مانع از دید نشود و فضای مخفی ایجاد نکند. بهتر است از درختان با تنه‌های بلندتر استفاده شود تا درختان با تراکم شاخه‌های بیشتر و ارتفاعی کوتاه‌تر.



در طراحی محیط باید سعی شود تا حدالامکان از «نقاط غافل‌گیری» کاسته شود. این نقاط، فضاهایی کوچک و تنگ هستند که با استفاده از موانع، از سه طرف پوشیده شده‌اند. در صورتی که وجود این نقاط غیرقابل اجتناب است، می‌توان در آن یک راه فرار قرار داد، یا در شب که فضا تاریک است آن را قفل کرد تا از ورود افراد به آنجا اجتناب شود.

۱۶۲



ه. روشنایی

روشنایی یکی از جنبه‌های مهم امنیت شهری است که علاوه بر تأثیر بر جرم، از ترس ناشی از جرم نیز می‌کاهد. فضاهای تاریک چون این تصور را ایجاد می‌کند که پناهگاه خوبی برای مجرمان است، پس موجب ترس ناشی از جرم می‌شود. فضاهای تاریک، فرصت مجرمانه بیشتری را فراهم می‌کند. از طرف دیگر، بهبود روشنایی، علاوه بر تشویق ساکنان به استفاده از فضا، موجب تقویت نظارت غیررسمی نیز می‌شود. به‌طور متوسط چهل درصد از جرایمی که در شب روی داده است، میزان روشنایی در

آن پنج لوکس* بوده است (یک خیابان نوعاً در روز حدود هزار و هشتصد لوکس روشنایی دارد). در روشنایی، نکات کاربردی زیر باید مورد توجه قرار گیرد: مسیره‌های منتهی به ساختمان باید کاملاً روشن باشند؛ به‌گونه‌ای که ساکنان بتوانند بر این مسیره‌ها نظارت کامل داشته باشند.

هر فرد باید بتواند از فاصله پانزده متری، چهره و صورت شخص مقابل را تشخیص دهد. علاوه بر این، روشنایی مناسب، باید فرد را قادر سازد تا با فرد مقابل تماس چشمی داشته باشد.

روشنایی باید بتواند تمام سطح خیابان، کوچه و اطراف منزل را به‌طور یکنواخت روشن کند. رنگ نور نباید موجب ایجاد ترس و دلهره در افراد شود (رنگ‌های سفید بر رنگ‌های تیره و متمایل به زرد ارجحیت دارد).

ورودی ساختمان باید به حدی روشن باشد که فرد، قبل از ورود به ساختمان درون آن را ببیند و روشنایی خارجی نیز به حدی باشد که فرد، فضای بیرون را به راحتی مشاهده کند. روشنایی نباید موجب ایجاد سایه شود، زیرا اثری معکوس خواهد داشت. تجهیزات روشنایی باید ضد تخریب باشند. علاوه بر این، روشنایی همواره باید کنترل شود و لامپ‌های سوخته تعویض شوند.

از قرار دادن تیرهای چراغ برق در نزدیکی منازل باید اجتناب کرد؛ زیرا این تجهیزات می‌تواند به‌عنوان تسهیل‌کننده جرم (نردبان) عمل کند.

و. علائم و تابلوها

علائم و تابلوهای مناسب و خبری می‌تواند در ایجاد تصویر مثبت در محله کمک کند. علاوه بر این، برای شخصی‌سازی فضا، می‌توان از علائم و تابلوها استفاده کرد. اسم خیابان‌ها و شماره بلوک‌ها باید در خیابان اصلی نصب شود. این علائم و تابلوها باید به‌طور کامل فضا را معرفی نماید، هشدارهای لازم را بدهد و این‌که آیا برای تمام افراد قابل دسترس است یا خیر.

تابلوها باید خوانا و شفاف باشند و از علائم و نمادهای استاندارد استفاده شده

* Lux (واحد روشنایی).

باشد. این تابلوها نباید فضایی برای مخفی شدن ایجاد کنند و مانع نظارت شوند و در خط دید افراد اختلال ایجاد کنند.

ز. مراقبت و نگهداری

مراقبت و نگهداری از ساختمان، یکی از مباحث مهمی است که هم در نظریه پنجره‌های شکسته و هم تئوری فضای قابل دفاع اسکار نیومن (See; Newman, 1973) بر آن تأکید می‌شود. با ایجاد تصویری مثبت از ساختمان و محیط، می‌توان احساس قلمروگرایی را بالا برد و به مجرمان بالقوه این پیام را القا کرد که اینجا «ملک بدون مالک» نیست و ساکنان، در برابر هرگونه عمل غیرمجاز واکنش نشان خواهند داد. در واقع، اگر از ساختمان و فضا به خوبی نگهداری شود، این احساس در مجرم ایجاد می‌شود که افراد در این فضا برای محیط خود احترام قائل هستند و امنیت محیط‌شان (علاوه بر زیبایی) برای آنها اهمیت دارد. در همین راستا بهتر است نکات زیر رعایت شود:

باید در برابر دیوارنویسی واکنش سریع نشان داد و آن را پاک کرد. علاوه بر دیوارنویسی، معمولاً ساختمان‌ها با مشکل وندالیسم* و تخریب نیز روبه‌رو هستند. برای غلبه بر این مشکلات، باید علاوه بر واکنش سریع در برابر این مسائل، از وسایل ضد تخریب استفاده کرد که دارای آسیب‌پذیری کمتری در برابر تخریب هستند. تعمیرات و جمع‌آوری زباله و زیباسازی محیط، به ایجاد و تقویت حس مالکیت و مراقبت در فضا می‌انجامد.

به ندرت مشاهده شده است که وندال‌ها به چیزی که متعلق به دیگری است و از آن به خوبی مراقبت می‌شود، صدمه بزنند. خانه‌ای که در طی سال‌ها سالم و دست نخورده

* وندالیسم (Vandalism) از کلمه وندال گرفته شده است. قبیله‌ای از نژاد ژرمن‌ها در شرق اروپا که غرب را همواره مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند و در قرن چهارم و پنجم میلادی می‌زیستند. این قبیله در ۴۴۵ میلادی، امپراطوری روم را غارت کردند و بر آن چیره شدند. از این افراد معمولاً به‌عنوان تخریب‌گرایان هنر، تمدن و ادبیات روم یاد می‌شود. در نهایت هم به آفریقای شمالی مهاجرت کردند. براساس تعریف واژه وندالیسم در فرهنگ آکسفورد، این واژه در سال ۱۶۶۳ میلادی به تخریب جاهلانه یا آگاهانه هر چیز زیبا، محترم و حفاظت‌شده اطلاق می‌شد. این واژه به تدریج گسترش یافت و هرگونه رفتار مخرب، بی‌پروا، بی‌فرهنگ و بی‌رحمانه را دربرگرفت. ر.ک: مرتضایی، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۴.

باقی مانده است، به محض اینکه شیشه‌ای از آن شکسته شود و ترمیم نشده باقی بماند، وندالیسم به سرعت شایع می‌شود. هرکس به‌طور ذاتی تمایل دارد به محیطی که جذاب است و از آن خوب محافظت می‌شود، احترام بگذارد.

بهتر است که یک خط تلفن در مجتمع‌های مسکونی برای گزارش خرابکاری‌ها و تقاضای تعمیر آنها تدارک دیده شود. در این راستا بهتر است تا بر تابلویی در کنار اشیای آسیب‌پذیر یا روی دیوار، این شماره تلفن نوشته شود.

ح. نمای ساختمان

نمای ساختمان می‌تواند تا حد زیادی معرف وضعیت فکری، فرهنگی و اقتصادی ساکنان باشد. نمای ساختمان باید به‌گونه‌ای باشد که به‌لحاظ روانی، در فرد تصور نفوذناپذیری و استحکام را ایجاد کند. البته نباید در این راستا افراط کرد و در محله‌جور نظامی ایجاد کرد. چون خود این موضوع منجر به افزایش ترس از جرم می‌شود.

سادگی نمای ساختمان می‌تواند از ایجاد تحریک رهگذران و ایجاد افکار مجرمانه جلوگیری کند. اصولاً اگر آماجی بیش از حد سخت شده باشد، میل به تخریب آن در افراد ایجاد می‌شود.

در نمای ساختمان باید به افزایش نظارت طبیعی، عدم ایجاد نقاط کور و عدم اختلال در خط دید (جلوآمدگی و عقب‌رفتگی) توجه کرد. در همین رابطه، در مورد انتخاب پوشش گیاهی و منظره‌سازی محیط، باید توجه کافی داشت (درختانی با تنه‌های دراز و برگ‌های سوزنی، بر درختان انبوه و هم‌پوشان ارجحیت دارد).

نمای ساختمان باید تا حد ممکن روشن باشد.

نمای ساختمان نباید به‌گونه‌ای باشد که به‌عنوان تسهیل‌کننده ارتکاب جرم عمل کند.

۳. راهبردهای کاربردی CPTED در پارکینگ‌ها

پارکینگ‌ها یکی از فضاها پر کاربرد و مهم در ساختمان محسوب می‌شوند. در عین حال، این فضاها در صورت طراحی نامناسب و عدم رعایت مسائل امنیتی، می‌تواند تبدیل به محلی برای وقوع جرائم مختلف، از جمله: سرقت اتومبیل، سرقت

اشیای درون اتومبیل و ضرب و جرح شود. بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی در مجتمع‌های ساختمانی، در پارکینگ‌ها روی می‌دهند. طراحی مناسب پارکینگ‌ها باید رؤیت‌پذیری، خط دید و نظارت طبیعی را افزایش دهد و دسترس آسان را فراهم آورد. امروزه در طراحی پارکینگ‌ها چهار اصل از اصول CPTED که عبارتند از: خط دید، نظارت طبیعی، روشنایی و دسترس مستقیم، باید مد نظر قرار گیرد. پارکینگ‌ها یکی از مناطق آسیب‌پذیر در طراحی شهری محسوب می‌شوند و معمولاً دارای نرخ بزه‌دیدگی بالایی هستند. در طراحی پارکینگ‌ها باید اصول زیر مورد توجه قرار گیرد:

پارکینگ‌های خارجی (سرباز) در شب به‌طور میانگین باید حدود بیست لوکس روشنایی داشته باشد. تجهیزات روشنایی باید ضد تخریب باشد. روشنایی در پارکینگ‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که فرد، قبل از سوار شدن به ماشین، صندلی عقب اتومبیل خود را ببیند. روشنایی باید ثابت، سازگار و مستمر باشد و ایجاد سایه نکند. ورودی‌ها و خروجی‌ها باید به‌طور کامل روشن باشند. روشنایی باید هم مسیر چرخش و هم فواصل میان ستون‌ها را روشن کند. از رنگ سفید در سطوح ساختمان عمودی، مانند سقف‌ها استفاده شود. نور روشنایی باید به‌گونه‌ای باشد که در تمام ساعات، روشنایی را فراهم کند.

الف. خط دید

خط دید در پارکینگ‌های سرباز، با حذف موانع فیزیکی، بوته‌ها و هرگونه ساختار غیرضرور، ارتقا داده شود.

پارکینگ‌های سرپوشیده و زیرزمینی، باید تا جایی که امکان دارد، دارای ستون‌هایی کم و نازک (از نظر قطر) باشد، تا فضایی برای مخفی شدن فراهم نکند. اصولاً ستون‌های دایره‌ای و گرد بر ستون‌های مربعی ارجحیت دارند. اگر دیوارهای عمودی در پارکینگ، غیرقابل اجتناب است، از سوراخ و حفره‌هایی در درون دیوار استفاده کنید تا نظارت ایجاد شود.



تا جایی که ممکن است از پارکینگ به ساختمان دسترس مستقیم فراهم شود. محل پارک ماشین‌ها باید به صورت ردیف‌های مستقیم طراحی شود تا خط دید شفافی فراهم شود. راه‌پله‌هایی که در فضای اطراف پارکینگ‌ها قرار دارند، باید سرباز و قابل دیدن باشند. در کنج‌ها از آینه‌های محدب استفاده شود.

۱۶۷

ب. نظارت غیررسمی

نظارت غیررسمی یا طبیعی، معمولاً از طریق پنجره‌ها فراهم می‌شود. در واقع هر فرد باید بتواند از ساختمان (یا اگر در مرکز خرید یا پارک قرار دارد) بر ماشین خود نظارت داشته باشد. اگر ساختمان جدیدی ساخته می‌شود، باید طوری طراحی شود که از ساختمان بتوان بر پارکینگ نظارت داشت و یا پارکینگ به نحوی طراحی شود که در کنار پنجره‌ها یا روبه‌روی ساختمان یا مراکز خرید باشد. در این رابطه باید هرگونه مانعی که در نظارت مؤثر خلل ایجاد می‌کند، حذف شود و فضایی شفاف و باز ایجاد شود.

ج. طراحی

در پارکینگ‌های سربسته، مسیرهای درون پارکینگ باید مشخص باشند. بهتر است در کنار پارکینگ‌ها، فعالیت‌های مکمل ایجاد شود و با سایر کاربری‌ها و مکان‌ها ترکیب شود. طبقه هم‌کف باید به فعالیت عابران و کسب‌وکار و طبقات بالایی به ماشین اختصاص داده شود. از طراحی پارکینگ‌هایی با وسعت زیاد اجتناب شود. پارکینگ‌های

بزرگ به بخش‌ها و گروه‌هایی از ماشین‌ها تقسیم شود، به طوری که هر بخش از بخش دیگر قابل تفکیک و تمایز باشد. اگر امکان دارد این بخش‌ها باید این قابلیت را داشته باشند که به صورت جداگانه باز و بسته شوند. کوچک‌تر شدن پارکینگ، نظارت را راحت‌تر می‌کند و فرصت‌های مجرمانه را کاهش می‌دهد.

نوع منظره‌سازی و اندازه پارکینگ، باید به حدی باشد که بیشترین دید را از پیاده‌رو و مناطق ورودی و خروجی فراهم کند. محوطه پارکینگ باید دارای طرحی باز باشد (یعنی اطراف آن با موانع فیزیکی مانند دیوار پوشیده نشده باشد). محل نگهداری باید در قسمت ورودی مسیرهای اصلی باشد و از دید کافی نیز برخوردار باشد. مسیرهای اصلی و خروجی‌ها باید به وسیله علائم رنگی خاص و سمبل‌های ویژه مشخص شوند، به طوری که افراد بتوانند به راحتی محل پارک ماشین خود را پیدا کنند. بهتر است در پارکینگ، از رنگ‌های انعکاسی استفاده شود.

د. اندازه پارکینگ

بهتر است اندازه پارکینگ‌ها، تا جایی که امکان دارد کوچک باشد. بهتر است پارکینگ‌های عمومی، ظرفیت هفتادوپنج ماشین را داشته باشند. زیرا بیشتر از این، نظارت مشکل‌تر می‌شود و آسیب‌پذیری فضا بیشتر می‌شود. اگر ساختن پارکینگ بزرگ غیرقابل اجتناب است، بهتر است به بخش‌هایی با ورودی‌های مجزا تقسیم شود که در هر کدام از این بخش‌ها، حداکثر هفتادوپنج ماشین امکان پارک داشته باشد.

ه. دسترس

باید مطمئن شد که دسترس به راه‌پله‌ها و مسیرهای منتهی به این نقاط، از فضای پارکینگ به طور کامل قابل مشاهده و رؤیت‌پذیر باشد. مسیر دسترس به پارکینگ‌ها باید دارای روشنایی، منظره و خط دید واضحی باشد. برای کاهش سرعت اتومبیل از اقدامات کنترل وسایل نقلیه (vehicle-control measures) مانند درب‌های آژیرکش (boom gates) استفاده شود. علاوه بر موارد فوق، می‌توان از اقدامات کنترل‌کننده پیاده‌رو (pedestrian-control measures) نیز بهره جست؛ برای مثال باید مطمئن شد

که عابران از نقاط مشخص شده وارد یا خارج می‌شوند. خروجی اضطراری آتش، میزان خطر سرقت را افزایش می‌دهد. در طراحی پارکینگ باید تعداد ورودی‌ها و خروجی‌های غیرمجاز کاهش یابد. بهتر است ورودی‌ها و خروجی‌ها، در طبقه هم‌کف قرار داشته باشند. در پارکینگ‌های عمومی، ادارات و مجتمع‌های مسکونی، باید فردی به‌عنوان نگهبان، به‌طور منظم کار کند و بر فضا نظارت داشته باشد. در هر پارکینگ بهتر است یک ورودی و یک خروجی وجود داشته باشد. ورودی و خروجی پارکینگ نباید دارای پیچ‌های تند باشد. اگر وجود این پیچ‌ها غیرقابل اجتناب است، از آینه استفاده شود. رنگ دیوارها باید روشن باشد که نور را منعکس کند. در پارکینگ‌ها بهتر است به تعداد کافی و در جاهای مناسب، تلفن عمومی وجود داشته باشد تا در صورت بروز هرگونه حادثه‌ای، افراد بتوانند به راحتی مورد را گزارش دهند. به‌نگهداری و تمیزی پارکینگ‌ها باید اهمیت داده شود و محیط، از هرگونه دیوارنویسی و تخریب، عاری باشد و در برابر آن واکنش سریعی داده شود.

نتیجه

نحوه طراحی محیطی می‌تواند در پیشگیری از جرم، نقش مهمی بازی کند. با تأکید بر عواملی مانند تعیین قلمرو، نظارت، ایجاد تصویر مثبت از فضا، از بین بردن نقاط کور و غافل‌گیری و نگهداری و مراقبت مستمر از محله و در عین حال، مشارکت دادن مردم در مسئله پیشگیری از جرم می‌توان بر بسیاری از جرایم مرتبط با «فضای ساخته‌شده» غلبه کرد. CPTED مدعی این نیست که می‌تواند پادزهر تمام جرائم باشد و از تمام جرائم پیشگیری کند. بلکه در قالب یک برنامه جامع پیشگیری و در کنار سایر راهبردهای پیشگیری از جرم می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از جرم ایفا کند.

منابع

أ. فارسی

۱. ادیبی، علی اصغر و منعم. علی رضا و قاضی زاده. سیدندا. ۱۳۸۵. «اصول کلی نورپردازی در پارک‌های شهری». نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران. ش ۲۷.
۲. بحرینی، سیدحسین و تاج‌بخش. گلناز. ۱۳۷۷. «مفهوم قلمرو در طراحی شهری». نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران. ش ۶.
۳. بحرینی، سیدحسین و امین‌زاده. بهناز. ۱۳۸۵. «طراحی شهری در ایران؛ نگرشی نو». نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران. ش ۲۶.
۴. چایلید، باری‌گود. «طراحی مسکن. فرم شهر و توسعه پایدار». مترجم: ایرج اسدی. فصلنامه مدیریت شهری. ش ۴.
۵. رحمت، محمدرضا. ۱۳۸۵. نقش معماری و شهرسازی در پیشگیری از جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق علیه السلام. به راهنمایی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی.
۶. رضازاده، مرضیه. ۱۳۸۱. «بحران ادراکی - رفتاری در فضای شهری». مجله شهرداری‌ها. ویژه‌نامه طراحی شهری. ش ۲۳.
۷. طالبی، ژاله. ۱۳۸۳. «روابط اجتماعی در فضاهای شهری». نامه علوم اجتماعی. ش ۲۴.
۸. فلاحت، محمدصادق. ۱۳۸۵. «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران. ش ۲۶.
۹. کلارک، رونالد. ۱۳۸۴. «بستن کوچه‌ها و معابر و کاهش جرم». مترجمان: مهدی مقیمی و مجید قورچی بیگی. فصلنامه دانش انتظامی. ش ۴.
۱۰. گسن، ریموند. ۱۳۷۴. جرم‌شناسی نظری. مترجم: مهدی کی‌نیا. تهران: انتشارات مجد. اول.

۱۱. مرتضایی، رضا. ۱۳۸۱. «طراحی ابزار مقابله با تخریب‌گرایی (وندالیسم) در محیط شهری». *مجله شهرداری‌ها*. ش ۲۵.
۱۲. مطلبی، قاسم. ۱۳۸۰. «روان‌شناسی محیطی. دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری». *نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران*. ش ۱۰.
۱۳. مطلبی، قاسم. ۱۳۸۵. «رویکردی انسانی به شکل‌دهی فضاهای شهری». *نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران*. ش ۲۷.
۱۴. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۱. «تأثیر معماری و شهرسازی بر ارزش‌های فرهنگی». *نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران*. ش ۱۱.
۱۵. ویلسون، جمیز و کلینگ. جرج. ۱۳۸۲. «تئوری پنجره‌های شکسته». مترجم: محمد صدری توحیدخانه. *مجله حقوقی و قضایی دادگستری*. ش ۴۳.

16. Clarke, R.V. (Ed.), 1997a. *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd ed., Harrow and Heston, New York, NY.
17. Clarke, R.V. (ED.), 1997b. *Rational choice and Situational Crime Prevention*, Ashgate.
18. Cozens, P.M., 2002. *Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British City*. 2002. *Towards an effective urban environmentalism for the 21st Century*, Cities: The International Journal of Urban Policy and Planning, Vol. 19, No. 2.
19. Cozens, P.M. & Hillier, D. & Prescott, G., 2001. *Crime and the design of residential property. Exploring the theoretical background*, Property Management, (paper 1 of 2), Vol. 19, No. 2.
20. Cozens, P.M. & Hillier, D. & Prescott, G., 2001. *Crime and the design of residential property. Exploring the perceptions of planning professionals, burglars and other users*, Property Management, (paper 2 of 2), Vol. 19, No. 4.

21. Crowe, T., 2000. *Crime Prevention Through Environmental Design: Applications of Architectural Design and Space Management Concepts*, 2nd ed., Butterworth-Heinemann, Oxford.
22. Jacobs, J., 1961. *The Death and Life of Great American Cities*, Vintage Books, New York, NY.
23. Lawrence, G., 2004. *Designing out crime: the retail perspective*, International Journal of Retail & Distribution Management, Vol, 23, No. 12.
24. Newman, O., 1973. *Defensible Space People and Design in the Violent City*, Architectural Press, London.
25. Newman, O., 1996. *Creating Defensible Space*, US Department of Housing and Urban Development Office of Policy Development and Research, Washington, DC.
26. Pettersson, G., 1997. *Crime and mixed-use development*, in Coupland, A. (Eds), *Reclaiming the City: Mixed Use Development*, Spon, London.
27. Spelman, W., 1993. *Abandoned buildings: magnets for crime?* Journal of Criminal Justice, Vol. 21, No. 3.
28. Siegel, Larry. J, 2001. *Criminology*, 7th edition, Wadworth.
29. Wekerl.G.R, Whitzman. C., 1994. *Safe Cities; Guidelines for Planning, Designing and Management*, Van Nostrand Reinhold, Canada.